

عنوان مقاله: تجسم اعمال در قیامت از دیدگاه آیات و روایات

نگارنده: الهه نوبخت

چکیده:

تجسم اعمال تبیینی است از چگونگی تاثیر اعمال انسان در سرنوشت نهایی او و تحلیلی است از نحوه ارتباط میان اعمال دنیوی با جزای اخروی. مقصود از تجسم یا تمثّل اعمال و احوال انسان، این است که هرکاری را که انسان در این جهان انجام دهد در جهان دیگر به صورتی متناسب با آن جهان نمودار می‌گردد و پاداش‌ها و کیفرهایی که انسان در آخرت با آن مواجه می‌گردد، از ناحیه غیر و خارج از ذات انسان نیست، بلکه همان اعمال انسان و ملکات اخلاقی و روحیات و افکار و عقاید اوست که در سرای دیگر به صورت انواع پاداش‌ها و نعمت‌های بهشتی یا به صورت انواع عذاب و شکنجه ظاهر می‌گردد.

این مطالعه با هدف تبیین «تجسم اعمال در قیامت از دیدگاه آیات و روایات» انجام شده است. مطالعه حاضر، تحلیلی-توصیفی و با استناد بر منابع معتبر و نتایج تحقیقات مرتبط، صورت گرفته است. از مهم‌ترین نتایج به دست آمده از این پژوهش آن است آنچه بهشت و جهنم انسان را می‌سازد، صورت اخروی اعمال خود اوست و این گونه نیست که خداوند از قبل، انواع آتش و عذاب‌های دوزخی را برای فرد گنه‌کار آماده کرده باشد و هیچ رابطه‌ای بین عمل و جزای او وجود نداشته باشد؛ و هر یک از اعمال و صفات نیک و ناپسند انسان دارای مصادیقی هستند که انسان با همان صفات و اعمال در قیامت محسوس می‌شود. بی‌شک تمامی اعمال انسان در آن جهان تجسم می‌یابد و پذیرفتن این اعتقاد نقش بسزایی در چگونگی زندگی دنیای افراد دارد.

واژگان کلیدی: عمل، تجسم، فکر، اعمال، قیامت، تجسم اعمال.

مقدمه

یکی از مباحث بسیار مهم و مفصل در موضوع معاد بحث از تجسم اعمال و عقیده است که در حوزه‌های کلام، فلسفه، اخلاق و عرفان مطرح شده است. این موضوع غالباً ناظر به کردارهای مربوط به اعمال جوارحی و جوانحی انسان است که از تبلور، تمثل و تجسد یا تجسم نیت‌ها و ملکات نفسانی تعبیر می‌شود.^۱ این سخن بدین معناست: هرکاری را که انسان در این جهان انجام می‌دهد در جهان دیگر به‌صورتی متناسب با آن جهان نمودار گردد؛ به عبارت دیگر هر عمل و کرداری که انسان در این جهان انجام می‌دهد، خواه خوب باشد و خواه بد، یک صورت مادی دارد که ما آن را مشاهده می‌کنیم و یک صورت اخروی دارد که درون عمل نهفته است و در روز قیامت، پس از تحولاتی که در آن رخ می‌دهد، شکل مادی خود را از دست داده و با واقعیت اخروی خود جلوه می‌کند و باعث لذت و شادی عامل یا آزار و اندوه وی می‌گردد؛ یعنی اعمال خوب این جهان در روز قیامت تغییر شکل داده و به‌صورت باغ و حوریان زیبا و کاخ‌های مجلل در خواهد آمد. چنان‌که اعمال بد، قیافه دنیوی خود را دگرگون کرده و به‌صورت آتش و زنجیر و انواع عذاب نمودار خواهند شد.^۲

تجسم اعمال به عینه در آیات و احادیث دیده نشده، ولی بی‌گمان، خاستگاه آن آیات کریمه‌ی قرآن و احادیث شریفه‌ی صادره از اهل بیت عصمت (علیه‌السلام) است. در قرآن و روایات درباره‌ی اعمال انسان، اعم از اعمال ظاهری و باطنی یا جوارحی و جوانحی و نقش آن در جزای اخروی، مطالبی آمده که دانشمندان از آن به «تجسم اعمال»، یا «تجسد اعمال» و یا «تمثل اعمال» و نظایر آن تعبیر کرده‌اند.^۳

حقیقت هر عملی از اعمال ما، یک حقیقت کاملاً درونی و باطنی است و حرکات ظاهری ما خارج از حقیقت عمل هست. حرکات ظاهری ما برای تحقق همان حرکات‌های درونی است. آنچه در آخرت به‌عنوان پاداش و کیفر به نیکوکاران و بدکاران داده می‌شود تجسم عمل خود آن‌هاست و مردم عین اعمالشان را چه خوب و بد حاضر می‌بینند. پاداش و کیفر همان سوغاتی‌هایی است که افراد برای جهان ابدی‌شان پیشاپیش فرستاده‌اند.^۴

با توجه به اینکه نظریه‌ی تجسم اعمال می‌تواند در زمینه‌ی ملاک کیفر آخرتی و شبهات واردشده در زمینه‌ی حکمت و عدالت الهی پاسخ دهد و نیز بازتاب گسترده‌ای در شخصیت و کردار انسان داشته باشد مهم و ضروری به نظر می‌رسد. از این رو در این مقاله برآنیم تا نگاهی به تجسم اعمال در قیامت از دیدگاه آیات و روایات داشته

۱. اکبر اسد علیزاده، "بررسی تجسم وانعکاس اعمال از نگاه معارف عقلی"، فصلنامه علمی - پژوهشی آیین حکمت، شماره مسلسل ۲۱، سال ششم، ۱۳۹۳، ص ۸.

۲. جعفر، سبحانی، منشور جاوید، ج ۹، قم، موسسه سید الشهداء (علیه السلام)، ۱۳۶۹، ص ۴۰۷.

۳. محمد علی، تجری، "تجسم اعمال از منظر دین و فلسفه، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی - کلامی، بهار و تابستان ۸۱، شماره ۱۱ و ۱۲، ص ۲۰۰.

۴. محمدشجاعی، معاد یا بازگشت به سوی خدا، ج ۲، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴، ص ۲۷.

باشیم؛ بنابراین ابتدا به مفهوم شناسی می‌پردازیم، سپس به تطابق عوالم وجود پرداخته و در ادامه به تجسم اعمال از منظر آیات و روایات اشاره می‌کنیم.

مفهوم شناسی

جسم

جسم چیزی است که دارای طول و عرض و ارتفاع باشد و اجزاء جسم با قطعه‌قطعه شدن به هراندازه کوچک گردند از جسم بودن خارج نمی‌شوند و در یک جمع‌بندی کلی جسم چیزی است که دارای طول و عرض باشد و موجود باشد و فضا را اشغال کند. شهید مطهری در مورد جسم اخروی چنین می‌گوید: اجسام اخروی مانند اجسام دنیوی دارای طول و عرض و عمق هست ولی قوه و استعداد برای چیز دیگر شدن که خصوصیت ماده است را دارا نیست. در مسئله تجسم اعمال هم باید گفت شود که اعمال و افعال ما به شکل جسم اخروی درمی‌آید و با توجه به نوع اعمال به صورت باطنی و ملکوتی ظاهر می‌شود.^۲

عمل

راغب اصفهانی، عمل را این‌گونه تعریف می‌کند: «عمل شامل افعالی است که همراه با قصد و اراده باشد و این عمل شامل افعال بعضی از حیوانات و در رأس آن انسان هست که همراه قصد و اراده است».^۳ در واقع عمل کردن، تبدیل مواد بدن است به نیرو، یا به عبارت دیگر تبدیل خود به لذت و یا درد آخرت است. عمل کردن، تبدیل مواد جهانی، به نعمت‌های بهشتی و یا به نعمت‌های دوزخی است که همه این‌ها توسط انسان انجام می‌گیرد و شامل افعال گوناگون انسان هست و حتی تمام حرکات و نیات و اندیشه و... انسان را دربرمی‌گیرد.^۴

تجسم اعمال

در لغت به معنای شکل، جسم و پیکر درآمدن موجودات غیرمادی مانند عقاید، اخلاق و اوصاف افعال و آثار انسان است.^۵ در اصطلاح به معنای آن است که آنچه را انسان در این جهان انجام می‌دهد در جهان دیگر به صورتی متناسب با آن جهان نمودار گردد؛ به عبارت دیگر هر عمل و کرداری که انسان در این جهان انجام می‌دهد، خواه خوب باشد و خواه بد، یک صورت مادی دارد که ما آن را مشاهده می‌کنیم و یک صورت اخروی دارد که درون عمل نهفته است و در روز قیامت، پس از تحولاتی که در آن رخ می‌دهد، شکل مادی خود را از دست داده و با

۱. راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر الکتاب، همان، ص ۹۴.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۴، انتشارات صدرا، بی تا ص ۸۰۸ و ۸۰۹ با تصرف و تخلص.

۳. راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، همان، ص ۳۴۸.

۴. محمد امین رضوی، تجسم عمل یا تبدیل ماده به نیرو، بی جا، ۱۳۷۸، ص ۲۲.

۵. عبدالله، جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن (معاد در قرآن)، ج ۵، قم: مرکز نشر اسراء، چ چهارم، ۱۳۸۵، ص ۴۷.

واقعیت آخروی خود جلوه می‌کند و باعث لذت و شادی عامل یا آزار و اندوه وی می‌گردد؛ یعنی اعمال خوب این جهان در روز قیامت تغییر شکل داده و به‌صورت باغ و حوریان زیبا و کاخ‌های مجلل درخواهد آمد. چنان که اعمال بد، قیافه دنیوی خود را دگرگون کرده و به‌صورت آتش و زنجیر و انواع عذاب نمودار خواهند شد.^۱

تطابق عوالم وجود

یکی از مباحث مهم و تأمل برانگیز قیامت مسئله تجسم اعمال است. قبل از بررسی این موضوع طرح مقدمه‌ای لازم و ضروری است و آن مسئله «تطابق عوالم وجود» است. عوالم هستی، با نظام و ترتیب خاصی از ذات حق – که در مظاهر اسما متجلی است – سرچشمه گرفته و عوالم وجود از آثار و جلوه‌های اسمای الهی است. اولین عالم، «عالم تجرد و جبروت» است که عالم بالاتر و نزدیک‌تر به مبدأ متعال است و از عدم‌ها و نیستی‌ها و آنچه از آثار و تبعات ضعف وجود هست، پاک‌تر است. به همین جهت، «عالم جبروت» نامیده می‌شود. عالم بعدی، «عالم مثال، برزخ یا ملکوت» است که مترتب بر عالم تجرد و متأخر و نشأت گرفته از آن است. این عالم، جلوه‌های آخرین عالم از عوالم تجرد بوده که در آن، حقایق مجرد این عالم در مرتبه نازله ای و در حدود، اندازه‌ها و قالب‌ها متجلی است. «عالم برزخ» هم به‌جای خود، دارای عوالم بوده و برخی برتر از بعضی و بعضی مترتب بر برخی دیگر و نشأت گرفته از آن است.

عالم آخر، «عالم جسم و یا نظام مادی» است که «عالم ناسوت» و در اصطلاح قرآن «شهادت» نیز نامیده می‌شود. این عالم، متأخر از عالم برزخ و نشأت گرفته و مترتب بر آن است. عالم مادی، دورترین عالم از مبدأ متعال بوده و وجود ضعیف‌تری دارد. درواقع، حقایق عالم ماده، ظهورات و تابش‌های نازله و محدود حقایق مثالی است که در ماده جلوه می‌کند. بر اساس این نوع ترتیب، صورت‌های بالاتر و کامل‌تر آنچه در عالم ماده وجود دارد، در عالم مثال نیز وجود دارد؛ اما به‌صورت مثالی که با عالم مثال ساخته و متناسب با احکام، قوانین و آثار آن عالم باشد و همین‌طور آنچه در عالم مثال موجود است، صورت بالاتر و کامل‌تر از آن در عالم تجرد وجود دارد.

از این رو موجود مادی با همان خصوصیات مادی که در اینجا موجود است، درعالم مثال با تمام کم و کیف مادی نیست و موجود برزخی با همان خصوصیات برزخی که در عالم برزخ موجود است در عالم تجرد باهمان خصوصیت نیست و موجود مجرد با همان خصوصیات تجردی که در عالم تجرد موجود است در عالم اسماء با همان آثار و قوانین نیست.^۲

این مسئله نیز در بسیاری از آیات قرآن کریم با واژه‌ی نزل، انزل، نزل، منزل آمده بیان گردیده است.

۱. جعفر، سبحانی، منشور جاوید، ج ۹، همان، ص ۴۰۷

۲. محمد رضا کاشفی، مرگ تا قیامت (پرسش و پاسخ)، قم، نشر معارف، ۱۳۸۳، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۳. محمد شجاعی، تجسم عمل و شفاعت، ص ۴۰ و ۴۱.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ؛ هیچ چیز نیست مگر این که خزائن آن نزد ما است و ما آن را نازل نکردیم مگر به اندازه‌های معین».^۱

این آیه دلالت می‌کند که برای هر شیئی در نزد خدای سبحان منبع و مخزنی است که تنزل از آن به حدی معلوم صورت می‌گیرد.^۲ به این معنا که خود آن خزائن و سرچشمه‌های اصلی از حدود و مقادیر موجود در حقایق مادی پاک است و حد، اندازه و مقدار ندارد و همه‌ی این‌ها در مقام تنزل دادن به عالم ماده در حقایق مادی پیدا می‌شود.^۳

بنابراین، از آیه‌ی شریفه، وجود خزائن و یا عوالمی که بالاتر از حدود، اندازه‌ها و مقادیر بوده و منشأ موجودات مقداری پایین‌تر است و نزد حق و نزدیک به اوست، استفاده می‌گردد؛ اما تجرد این خزائن و عوالم بالاتر از ماده و آثار و لوازم ماده و مجرد بودن آن‌ها؛ از منزله بودن آن‌ها از حدود و مقادیر استفاده می‌شود، زیرا نبود حدود به معنی کلیت و ارسال و ابهام است که با داشتن ماده نمی‌سازد.^۴

هم‌چنین در سوره رعد آیه ۱۸ چنین می‌فرماید: «وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ؛ هر چیزی نزد حضرت حق (مقدار) و اندازه‌های (معین) دارد.» آیه بیانگر این است هر چیزی که در عالم ماده وجود دارد، نزد خدای متعال با حد، اندازه و مقدار معین موجود است، یعنی برای همه‌ی اشیاء مادی، وجودات دیگری را که مقداری است و نزد حق است اثبات می‌کند. پس در این قسم از موجود امری غیر محدود و نیز مراتبی وجود دارد و شکی نیست که تنزل امر از این خزائن به نحو تجافی و تخلیه از مکان سابق به مکان لاحق نیست، چون خداوند سبحان فرمود: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ» و این موجودات غیر محدود چون حدی ندارند همگی – باوجود کثرتشان – به وجودی واحد موجود بوده و جمیع کمالات آن عالم را واجدند و از اعدام و نقایص که از لوازم عالم ماده و امکان است منزله‌اند. امر همیشه از مرتبه‌ای به مرتبه‌ی دیگر تنزل می‌کند تا این که مشرف به عالم اجسام می‌گردد و درعین حال در جمیع مراتب و مراحل بر همگی کمالات مشتمل و از نواقص مبرا است؛ در نتیجه این وجدان کمالات در هر مرتبه‌ای دایره مدار مقتضای همان مرتبه از قوت وجود و ضعف آن است و در این مراتب مختلفه حجاب و غیوبتی نیست، بلکه اشعه‌ی کل از کل واقع است و از کل بر کل منعکس گشته است.^۵

۱. سوره حجر (۱۵)، آیه ۲۱.

۲. خواجه نصیرالدین طوسی، آغاز و انجام، چ چهارم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۲۳.

۳. محمد شجاعی، تجسم عمل و شفاعت، ص ۴۲ و ۴۱.

۴. محمد شجاعی، تجسم عمل و شفاعت، ص ۴۲.

۵. محمد شجاعی، تجسم عمل و شفاعت، ص ۴۳.

۶. خواجه نصیرالدین طوسی، آغاز و انجام، همان، ص ۲۳ و ۲۴.

چنان چه این دو آیه با یکدیگر ضمیمه شود این نتیجه گرفته می‌شود که غیر از عالم مادی عوالم دیگری هست، یکی عالم مقداری و دیگری عالم فوق مقدار. عالم مقداری، عالم مثال بوده که حقایق نظام مادی در آن جا هست با مقدار و عالم مجرد که بی‌مقدار و فوق مقدار است. مثلاً آبی که در اینجا داریم، حدود مادی، زمانی امکانی دارد اما حقیقت آب در عالم مثال، صورت بالاترش وجود دارد که در آنجا مثلاً شکل دارد ولی زوال ندارد. آب در برزخ خیلی شباهت به آب مادی دارد ولی رتبه‌ی وجودش بالاتر هست، چرا که تغییر و تحولات مادی و اینجایی را ندارد. حقیقت آب در عالم مجرد نیز وجود دارد ولی در عالم مجرد همین حدود مقدار برزخی را نیز نداشته بلکه مجرد محض آب است.^۱

پس درواقع، گویا علت پایین آمده به این شکل شده است نه اینکه جای خود را خالی کرده باشد؛ به این بیان که عالم مثال که دارای حقایق مختلفی است روی عالم ماده که صحیفه‌ای بی‌شکل است اثر می‌گذارد. ماده قابل است و آنچه از عالم مثال می‌رسد قبول می‌کند. نظام مادی بی‌شکل و بی‌رنگ است و آنچه در او افتاده و می‌تابد از عالم مثال هست درواقع عالم ماده، تابشگاه حقایق عالم مثال و مجلای آن است. پس اصل حقایق مادی در عالم مثال بوده و عالم ماده تا آن حد ظرفیت دارد آن اصل را می‌پذیرد و ارائه می‌کند و نشان می‌دهد.^۲

با توجه به مطالب فوق؛ در بازگشت انسان به سوی خداوند، اوصاف، اعمال و عقاید انسان در عوالم بعدی متمثل بوده و تجسم دارد، حال چه این اعمال و عقاید خوب باشد و چه بد. پس اگر صفت خوبی در ما باشد، این صفت به‌عنوان یک خصوصیت از خصوصیات وجودی ما و به‌عنوان یک واقعیت در روح و برای روح ما، صورتی در بالا دارد، هم در برزخ و هم در عالم مجرد و هم در عالم اسماء.

البته صورت موجود در عالم بالا متناسب با قوانین و احکام آنجاست، اما صور عقاید و اعمال و همه‌ی مکتسبات ما در دنیا که در درون ما هست غیر از صور آنها در باطن برزخی ما بوده و صور برزخی آنها غیر از صور فوق برزخی آنهاست. این‌چنین نیست که صور برزخی، همانند صور دنیوی یا همانند صور اخروی باشد. اگرچه صور دنیوی، صورت نازله‌ی صور برزخی و صور برزخی، صورت نازله‌ی صور اخروی است ولی باهم فرق دارند. صورتهای برزخی و تجردی و اسمایی اعمال و عقاید و صفات ما همواره با ما هستند هرچند از ما محجوب‌اند و در برزخ با صورت برزخی آنها روبه‌رو می‌شویم و هرچه به عوالم بالاتر منتقل شویم و پرده‌ها بیشتر کنار برود، صورتهای بالاتر اعمال و عقاید و اخلاق برای ما متمثل می‌گردد و لذا هم‌اکنون اعمال و عقاید و اخلاق

۱. محمد شجاعی، تجسم عمل و شفاعت، ص ۴۴.

۲. محمد شجاعی، تجسم عمل و شفاعت، همان، ص ۴۴.

۳. محمد رضا کاشفی، مرگ تا قیامت (پرسش و پاسخ)، قم، نشر معارف، ۱۳۸۳، ص ۱۳۳.

۴. محمد شجاعی، تجسم عمل و شفاعت، ص ۴۶.

۵. محمد شجاعی، معاد یا بازگشت به سوی خدا، همان، ص ۳۶.

ما با صورت اصلی خود در نزد ما موجودند، پرده که عقب رفت صورت‌های مناسب آن‌ها برای نفس انسان ظاهر می‌شود؛^۱ مثلاً نماز، روزه، تلاوت قرآن، صداقت، عدالت، امانت، محبت، توحید، ایمان و... به شکل‌های نورانی در می‌آیند. لذا صورت‌های بالاتری در برزخ این صفت‌ها و صورت برتری در عالم تجرد و صورت والاتر و بالاتری در عالم اسما دارد. یا به صور و اشکال قبیح و زشت و زننده و وحشتناک و تکان‌دهنده درمی‌آید، مثل این که دروغ، ظلم، ربا، احتکار، اختلاس، اختلاف، عداوت، قمار، شرک، بی‌نمازی و... به اشکال بسیار وحشتناک درمی‌آیند و با انسان هستند.

تجسم اعمال در قرآن

تجسم اعمال یک حقیقت قرآنی است که در آیات متعدد نمونه‌هایی از این آیات را یادآور می‌شویم:

۱. رؤیت اعمال در قیامت

قرآن کریم می‌فرماید: «يَوْمَئِذٍ يُصَدَّرُ النَّاسُ أَسْتَاتًا لِّيرَوُّا أَعْمَالَهُمْ، فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ، وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ؛

در روز قیامت مردم از قبرها پراکنده بیرون آیند تا اعمال آنان به آن‌ها ارائه شود. هر کس به قدر ذره‌ای کار نیک کرده باشد، آن را خواهد دید و هر کس به اندازه ذره‌ای کار زشت مرتکب شده باشد، آن را خواهد دید.^۲ بعضی مفسران صدور مردم را به معنای بیرون شدن از قبر و تفرق آن‌ها را به متمایز بودن از نظر سیما تفسیر کرده‌اند. در ادامه می‌فرماید: هرکسی که به اندازه سنگینی دانه ریز غبار که در شعاع آفتاب دیده می‌شود و یا به سنگینی مورچه ریزی، عمل خیر یا شر انجام داده باشد، آن را می‌بیند، یعنی هیچ عمل کوچک یا بزرگ و یا خیر و شری از این ارائه اعمال استثناء نمی‌شود.

در اینجا توهمی درباره حبط اعمال یا تکفیر آن پیش می‌آید که توضیح آن این است: فردی که عملش حبط و باطل شده، حکمش مانند فردیست که اصولاً عمل خیری انجام نداده تا بخواهد آن را مشاهده کند، به همین صورت توبه‌کنندگانی که گناهانشان تکفیر شده، حکمشان حکم فردیست که گناهی ندارد و شری مرتکب نشده تا بخواهد در قیامت آن را ببیند.^۴

۱. محمد شجاعی، تجسم عمل و شفاعت، همان، ص ۴۷.

۲. محمدعلی صالحی مازندرانی، معاد، پایگاه اطلاع رسانی غدیر.

۳. سوره زلزال (۹۹)، آیه ۶-۸.

۴. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، مترجم، سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۲۰، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۵۸۳ و ۵۸۴.

«وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ؛ وَنِيسَتَ بَرَىٰ لِنَاسِنِ جَزِ أَنْجَه رَا بَا سَعَىٰ وَ عَمَلِ بَه

دست می آورد. البته نتیجه سعی و عمل او به زودی دیده خواهد شد.»^۱

راغب می گوید: کلمه سعی به معنای راه رفتن تند و سریع است، اما نه به حدی که دویدن بر آن صدق کند، ولی در مطلق جدوجهد در هر کاری چه خیر و چه شر نیز استعمال می شود. و لام در کلمه "للانسان" لام ملک حقیقی است، مانند ملکیت انسان نسبت چشم و گوش و سایر اعضایش، نه مانند ملکیتش نسبت به خانه و فرش که ملکیتی است اعتباری و به معنای جواز تصرف؛ و چون انسان ملکیت حقیقی، مالک اعمال خویش است پس مادامی که انسان هست آن عمل هم هست و هرگز به طبع خود از انسان جدا نخواهد شد، بنابراین بعد از انتقال آدمی به سرای دیگر، تمامی اعمالش چه خیر و چه شر چه صالح و چه طالح با او خواهد بود.

پس معنای آیه چنین شد که: هیچ انسانی هیچ چیزی را به ملکیت واقعی مالک نیست تا اثر آن ملکیت که یا خیر است یا شر یا نفع است یا ضرر عایدش شود، مگر آن عملی را که کرده و جدوجهدی که نموده، تنها آن را دارا است و اما آنچه دیگران کرده اند اثر خیر یا شرش عاید انسان نمی شود.

این که در بالا گفتیم (و هرگز به طبع خود از انسان جدا نمی شود) برای این بود که مسئله شفاعت را

استثناء کرده باشیم.^۲

از مجموع این آیات که دلالت بر رؤیت عمل می کند استفاده می شود که اعمال انسانها در آن روز به صورت مناسبی مجسم شده در برابر او ظاهر می شوند و او از مشاهدهی اعمال بدش در وحشت و ندامت فرو می رود و از دیدن اعمال حسنه اش شاد و مسرور می شود که به تحقیق یکی از بهترین پاداش های نیکوکاران و از بدترین کیفیهای بدکاران همین تجسم اعمال است.

۲. حاضر شدن اعمال در قیامت

قرآن کریم می فرماید: «... وَجِدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَّ لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا...»؛ و هر چه انجام داده اند، حاضر می یابند

و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی کند...»^۳

تفسیر عیاشی از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است «هنگامی که روز قیامت شود، کتاب (نامه اعمال) انسان را به او می دهند و گویند: بخوان. راوی از امام سؤال کرد: آیا آنچه را که در نامه هست می داند؟ امام

۱. سوره نجم (۵۳)، آیه ۳۹ و ۴۰.

۲. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، مترجم، سید محمد باقر موسوی همدانی، مرکز نشر فرهنگی رجاء با همکاری موسسه انتشارات

امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۸۹ و ۹۰.

۳. سوره کهف (۱۸)، آیه ۴۹.

(علیه‌السلام) پاسخ داد: خداوند متعال به یاد او می‌آورد و علی‌هذا هیچ چشم بر هم زدن و گام برداشتن و سخن گفتن و عملی نیست که به یاد نیآورد، چنان‌که گویی در همان لحظه انجام داده است و از این رو می‌گوید: «یا ویَلَّتْنَا

۲

مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يَغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا^۱»

«يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ ...»

ای پیامبر، یاد کن روزی را که هر کس هر کار نیکی کرده است، هر چند اندک باشد، آن را در برابر خود حاضر شده می‌یابد و هر کار بدی کرده نیز چنین است و آرزو می‌کند که میان او و کار ناپسندش زمانی دراز فاصله بود...»^۳

بر پایه‌ی عبارت (ما عَمِلَتْ)، عین همان عمل خیری که انجام داده شده است، برای آدمی مجسم خواهد شد. همچنین از کلمه‌ی (مُحْضَرًا) (که اسم مفعول از باب افعال است) استنباط می‌شود که عین آن اعمال خیری که انسان انجام می‌دهد، در آن روز حاضر و موجود می‌شود، نه اینکه انسان در انتظار آن‌ها باشد تا حاضر شوند.^۴ به هر روی طبق ظاهر آیه، خود عمل در قیامت حاضر می‌شود و انسان بر آن آگاه می‌گردد.^۵ هر چند برخی در این کلمه‌ی (جزاء) را در تقدیر گرفته‌اند و معتقدند که آدمی در آن روز، جزای اعمال خود را حاضر می‌بیند.^۶ برخی از مفسران، عمل انجام شده آدمی را نابود شده شمرده‌اند و با نفی امکان تجسم اعمال، احضار اعمال انجام شده را مخالف با عقل می‌دانند، اما باید دانست که عقل، کیفیت تجسم اعمال را نمی‌تواند ادراک کند این امر دلیل بر ممکن نبودن آن و توجیه و تأویل آیات و روایات فراوان در این باب نمی‌شود.

علامه طباطبایی در این زمینه می‌نویسد:

«احضار چیزی، وقتی صحیح است که موجودی غائب باشد؛ اما اعمال انسان نیز موجود و نزد خدا محفوظ است و خدای تعالی

در قیامت آن‌ها را احضار خواهد کرد، پس این آیه بر تجسم اعمال دلالت دارد.»^۷

«يَا بَنِي آدَمَ إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ

لَطِيفٌ خَبِيرٌ»

۱. سوره کهف (۱۸)، آیه ۴۹.

۲. محمد حسین طباطبایی، انسان از آغاز تا انجام، ترجمه و تعلیقات: صادق لاریجانی، چ دوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸، ص ۱۳۲.

۳. سوره آل عمران (۳)، آیه ۳۰.

۴. محمد جواد نجفی خمینی، تفسیر آسان، ج ۲، بی جا، بی تا، ص ۲۵۴.

۵. جعفر سبحانی، منشور جاوید، ج ۵، همان، ص ۶۰۵.

۶. محمد بن احمد قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ج ۴، بی جا، بی تا، ص ۵۹.

۷. محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، مترجم، سید محمد باقر موسوی همدانی، همان، ج ۳، ص ۱۵۶.

ای پسر عزیزم، (عمل آدمی) اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی در دل سنگ سختی یا در آسمان‌ها یا داخل این زمین باشد خداوند آن را (در روز قیامت) خواهد آورد (تا بر اساس آن جزا دهد) زیرا خدا دقیق و باریک بین و آگاه است.»^۱

لقمان در مقام سفارش، پس از مسئله توحید و نفی شریک، به معاد و حسابرسی اعمال می‌پردازد و می‌گوید: ای پسرم اگر آن خصلتی که انجام داده‌ای، چه خیر و چه شر، از کوچکی و ناچیزی همچون دانه خردلی باشد که درون صخره‌ای در آسمان یا زمین قرار گرفته، خداوند آن را برای حساب و جزا حاضر خواهد کرد چون او باریک بین و دقیق است و هیچ چیزی از علم او مخفی نمی‌ماند و علمش تا عمق اشیاء و امور مخفی نفوذ دارد و خبیر است، لذا به کنه موجودات و تمام امور پنهانی آن‌ها احاطه و آگاهی دارد. بدین ترتیب قیامت که ظرف ظهور حقایق است، حقیقت اعمال مجسم شده و چهره‌های واقعی آن‌ها آشکار می‌گردد و در برابر انسان حاضر می‌شوند؛ به‌ویژه گناهان و کارهای زشتی که به‌عنوان اعمال شایسته و ارزش پنداشته شده است؛ مانند اعمال ریائی و بدحجابی و خودنمایی زنانه، زشتی و پلیدی و ضد ارزش بودن آن‌ها نمایان می‌شود.^۳

«لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ»

تو از این - حقایق اعمال و جزای حاضر - غافل بودی، پس پرده را از جلوی چشم تو برطرف کردیم؛ لذا دیدگانت تیز شده - و باطن اعمال خود را مشاهده می‌کنی.»^۴

دو کلمه‌ی «غفلت» و «کشف خطا» حکایت از آن می‌کند که اعمال و کردار در دنیا دارای حقایقی است که پرده‌ی غفلت مانع مشاهده‌ی آن‌هاست و در آخرت که پرده‌های شهوات فریبنده و رذایل اخلاقی کنار رفته، آن‌ها را می‌بیند؛ اما این بیداری سودی به حال او ندارد و باید میهمان اعمال خود باشد و به عذاب ذلت‌بار حقیقت کردارش گرفتار گردد.

آری در پرتو این بیداری از خواب سنگین غفلت و مشاهده‌ی عظمت جهان ابدی است که فریاد «وا حسرتا»^۵ از انسان‌ها در صحنه‌ی محشر بلند می‌شود؛ از این رو یکی از اسامی قیامت به فرموده‌ی قرآن حکیم «یوم الحسره»^۶

۱. سوره لقمان (۳۱)، آیه ۱۶.

۲. محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، مترجم، سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۶، همان ص ۳۴۱.

۳. محمد رضا کوهی، تجسم اعمال (در دنیا، قبر، قیامت)، همان، ص ۱۰۱.

۴. سوره ق (۵۰)، آیه ۲۲.

۵. سوره زمر (۳۹)، آیه ۵۶.

۶. سوره مریم (۱۹)، آیه ۳۹.

است و حتی ابرار و مؤمنان راستین نیز حسرت می‌خورند که چرا درجات بیشتری از کمال را در سایه‌ی نور معرفت و ایمان و عمل صالح تحصیل نکردند.^۱

۳. ملازم بودن اعمال در قیامت

قرآن کریم در مورد ملازم و همراه بودن اعمال می‌فرماید:

«وَأَنْ تَبْذُوهَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ؛ هَرِ أَنْجَهْ مِنْ خَيْرٍ وَ شَرِّ دَلِ دَاشْتَهْ بَاشِيدِ، پنهان کنید

یا آشکار همه را خداوند در محاسبه شما می‌آورد، حتی حب و بغض‌های پنهانی نیز آشکار می‌شود.»^۲
مجموعه آفرینش، ملک و مُلک انحصاری خداست. نیّت و اعمال ظاهری انسان نیز از این قانون جدا نیست، پس ظاهر و باطن انسان، ملک و مُلک و معلوم خداست و خداوند افکار و کردارهای آشکار انسان را محاسبه کرده و بدان‌ها جزا می‌دهد و فقط از خاطرات زودگذری که وصف انسان و منشأ پیدایش عمل نشده، حسابرسی نمی‌کند. خدای سبحان پس از محاسبه، بر اساس مشیّت حکیمانه‌اش می‌بخشد یا عذاب می‌کند، زیرا خداوند بر هر کاری تواناست.^۳

«وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَ نَخْرُجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا؛

و ما مقدرات هر انسانی را ملازم و طوق گردن او ساختیم و ما آن را در روز قیامت به صورت کتابی که نامه اعمال اوست بر او بیرون می‌آوریم در حالی که آن را گشوده ملاحظه می‌کند.»^۴

طائر (یعنی پرنده‌ای که اگر به راست پرواز کند عرب‌ها آن را به فال نیک می‌گیرند و اگر به جانب چپ بپرد آن را به فال بد می‌گیرند) و عمل انسان از جهت اثری که در سعادت و حسن عاقبت یا به عکس در شقاوت و سوء عاقبت او دارد، طائر نامیده شده، لذا می‌فرماید: خواست خدا بر این مطلب استوار است که آنچه موجب سعادت و شقاوت آدمی است همواره ملازم و همراه او باشد (همچون طوقی در گردن) زیرا گردن تنها عضوی است که هرگز از انسان جدا نمی‌شود و جدایی آن ملازم موت اوست و این سرنوشت همان عمل آدمی است، پس هر کس جز عملش سرمایه دیگری ندارد و سرانجام طاعت و عمل نیک به بهشت و سرانجام گناه و معصیت به آتش جهنم می‌انجامد و آنگاه در آخرت کتابی برای انسان بیرون کشیده می‌شود که اولاً: کتاب حقایق اعمال خود اوست و ثانیاً: کوچک‌ترین عمل او را از قلم نیانداخته است، ثالثاً: هیچ ابهامی در آن نیست و جای هیچ عذری را باقی

۱. محمد رضا کوهی، تجسم اعمال (در دنیا، قبر، قیامت)، ج اول، اصفهان، انتشارات بوستان فدک، ۱۳۸۶، صص ۱۰۴ و ۴۰۵.

۲. سوره بقره (۲)، آیه ۲۸۴.

۳. ابوعلی الفضل ابن الحسن ابن الطبرسی، تفسیر مجمع البیان، تصحیح رضا ستوده، ج ۳، چاپ اول، انتشارات فراهانی، ۱۳۵۰، صص ۲۱۱ و ۲۱۲.

۴. سوره اسراء (۱۷)، آیه ۱۳.

نمی‌گذارد و کاملاً برای انسان گشوده و آشکار است؛ و این کتاب در بردارنده حقایق اعمال و نتایج خیر و شر آن‌هاست، (نه اینکه مانند کتاب‌های معمولی باشد)، لذا کتاب و طائر هر دو همان اعمال آدمی است.»^۱

امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرماید: «خیر و شر انسان با خود انسان است و هرگز از او جدا نمی‌شود تا زمانی که نامه‌ی کردارش به دستش برسد.» در حدیثی دیگر آمده: کردارش به‌گونه‌ای شفاف به خاطرش می‌رسد که گویی هم‌اکنون انجام داده است.^۲

۴. ظهور چهره‌ی باطنی اعمال در قیامت

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا؛

همانا کسانی که مال یتیمان را با ستمگری می‌خورند در حقیقت در شکم خود آتش جهنم فرو می‌برند و به زودی در آتش فروزان جهنم خواهند افتاد.»^۳

این آیه در جهت منع از ضایع کردن حقوق یتیمان در سهم‌الارث است و می‌فرماید، این عمل از نظر تجسم عملی مانند خوردن آتش جهنم است، چون به‌زودی به سزای این خوردن مال یتیم در آتش جهنم وارد شوند و درونشان پر از آتش می‌گردد و به آن آتش فروزان خواهند سوخت. از این آیه استفاده می‌شود که اعمال ما علاوه بر چهره‌ی ظاهری خود، یک چهره واقعی نیز دارد که در این جهان از نظر ما پنهان است اما این چهره‌های درونی در جهان دیگر ظاهر می‌شوند و مسئله «تجسم اعمال» را تشکیل می‌دهند.^۴

«وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۱۰﴾ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كَنْزْتُمْ تَكْنِزُونَ؛

آن کسانی که طلا و نقره را اندوخته و ذخیره می‌نمایند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، ای پیغمبر، آنان را از عذاب سخت و دردناک خدا بترسان. روزی که آن [گنجینه] ها را در آتش دوزخ بگدازند و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آن‌ها داغ کنند و [گویند] این است آنچه برای خود اندوختید. پس [کیفر] آنچه را می‌اندوختید بچشید.»

۱. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، مترجم، سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۳، چ سوم، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۷، تلخیص ص ۹۶-۹۲.

۲. عبد علی بن جمعه العروسی حویزی، تفسیر نورالتقلین، ج ۳، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا ص ۱۴۴.

۳. نساء (۴)، آیه ۱۰.

۴. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، مترجم، سید محمد باقر موسوی همدانی، همان، ج ۴، ص ۳۲۱ و ۳۲۲.

۵. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه،

۶. سوره توبه (۹)، آیه ۳۴ و ۳۵.

(احماء) یعنی داغ کردن، می‌فرماید: این عذاب دردناکی که به آنان بشارت دادیم، در روزی است که آن طلا و نقره‌ها در آتش جهنم گداخته می‌شوند و آنگاه باهمان بر پیشانی و پهلو و پشت آن‌ها داغ می‌نهند و می‌گویند، این همان اندوخته‌هایی است که برای خود جمع کرده بودید، اینک همان‌ها را بچشید که امروز به‌صورت عذاب برایتان در آمده و اینکه از میان اعضاء پیشانی و پهلو و پشت را نام برد، بعید نیست اشعار بر این مطلب داشته باشد که این‌ها در برابر پول خضوع و سجد داشتند و آن را می‌پرستیدند و پول را پشت و پناه خود می‌دانستند و به آن متکی بودند و سجده با پیشانی است و اتکا به وسیله پشت و پناه بردن به چیزی با پهلو صورت می‌گیرد و لذا همین اعضاء آن‌ها داغ زده می‌شود، به هر صورت خدا داناست؛ و در آخر می‌فرماید که به آن‌ها گفته می‌شود این همان چیزی است که برای خود اندوختید، پس بچشید آن را که با دست خود پیش فرستاده‌اید.^۱

«إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَ لَا يَكْلَمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»

آنان که پنهان دارند آیاتی از کتاب آسمانی را که خدا فرستاده بود و آن را به بهای اندک فروشنده، جز آتش جهنم در شکم نمی‌برند و در قیامت خدا با آن‌ها سخن نگوید و (از پلیدی عصیان) پاکشان نگرداند و هم آنان را در قیامت عذابی دردناک خواهد بود.^۲ این جمله تعریضی است بر اهل کتاب، چون آن‌ها بسیاری از حلال‌های خداوند را برای ریاست و مقام خود حرام نموده و حرام خدا را حلال نموده بودند، با آنکه در کتاب آن‌ها این امور نبود، پس این بهای اندکی که در برابر تغییر حکم خدا به دست می‌آورند در واقع آتشی است که آن را برای خود می‌خرند، چون گمراهی را بر هدایت و عذاب را بر مغفرت اختیار نموده‌اند، پس کتمان نمودن حق از جانب آن‌ها مستوجب عدم التفات الهی به آنان می‌شود، (ولهم عذاب الیم): (و برای آنان عذابی دردناک است) به جهت حق پوشی و کفرورزی آنان و چه جزای هماهنگ و متناسبی.^۳

نظر علامه در این آیه این است که مقدم داشتن رشوه و بهای ناچیز دنیوی بر احکام خدا از نظر قرآن، مقدم داشتن ضلالت بر هدایت حقیقتش در روز رستاخیز به‌صورت اختیار نمودن عذاب و مقدم داشتن عذاب بر مغفرت مجسم می‌شود؛ و ادامه‌ی این عمل (کتمان) به‌صورت بقاء در آتش مجسم می‌شود. در تفسیر این آیه عده‌ای مثل

۱. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، مترجم، سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۹، چ سوم، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۷، ص ۳۲۹-۳۳۵.

۲. سوره بقره (۲)، آیه ۱۷۴.

۳. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱، ۱۳۶۳، ص ۶۰۸.

شیخ طبرسی این عمل را موجب رفتن به آتش می‌داند^۱ در صورتی که علامه طباطبایی این عمل را خوردن آتش می‌داند. البته نظراتی مثل طبرسی را مفسران دیگری هم داشته‌اند که اینجا مجال آن نیست.^۲

«وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...»

و کسانی که از آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است بخل می‌ورزند، می‌پندارند که این بخل به نفع آن‌هاست، بلکه به ضررشان هست...»^۳

در این آیه می‌فرماید: حالت آنان مانند حالت مهلت دادن به کفار است که سودی برایشان نداشت، بلکه به ضرر آنان بود، پس بخل در مال و عدم انفاق آن کفر بوده و لذا نفعی به حال آنان ندارد، بلکه در قیامت باعث حسرت آنان خواهد شد، پس در روز قیامت این بخل آن‌ها مایه حسرت و عذاب آنان خواهد بود و خدا غنی و بی‌نیاز از آن‌ها و انفاق آن‌هاست و به‌زودی جزای محسن را به واسطه نیکوکاریش و جزای بدکار را به واسطه (عمل بدش) خواهد داد.

محمد بن مسلم از امام باقر(علیه‌السلام) در معنای آیه «سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» سؤال می‌کند آن حضرت در پاسخ می‌فرماید: «هیچ بنده‌ای نیست که از پرداختن زکات خودداری کند مگر این‌که خداوند آن را روز قیامت مبدل به ازدهایی آتشین می‌کند که طوق گردن او می‌شود.» و نیز رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره می‌فرماید: «هر کس اندوخته‌هایی از خود بر جای گذارد، در روز قیامت به‌صورت ماری خطرناک دارای دو خال بر بالای چشم بر او ظاهر می‌شود و او را دنبال می‌کند. آن شخص می‌گوید: وای بر تو! کیستی؟ مار می‌گوید: من آن گنجم که پس از خود بر جای بر جای گذاشتی.»^۴

۱. ابی جعفر محمد بن جریر طبرسی، مجمع البیان، همان.

۲. طبرسی، جامع البیان، ج ۱، همان.

۳. سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۸۰

۴. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، مترجم، سید محمد باقر موسوی همدانی، همان، ج ۴، ص ۱۲۵

۵. «ما من عبد منع زكاة ماله الا جعل الله ذالك يوم القيامة ثعباناً من نار مطوقاً في عنقه.» الکافی، کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۳، باب منع الزکاة، ح ۱۰، ص ۵۰۴.

۶. «مَنْ تَرَكَ كَنْزاً مِثْلَ لَهْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَجَاعاً أَفْرَعَهُ زَبَبَاتَانِ يَتَّبَعُهُ وَيَقُولُ: وَيْلَكَ مَا أَنْتَ؟ فَيَقُولُ: أَنَا كَنْزُكَ الَّذِي تَرَكَتَ بَعْدَكَ»، فخر الدین طریحی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، چاپ سوم، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۴۱۶ ق، ص ۲.

در روایت دیگر فرمود: «خداوند متعال شما را به صورت ازدهایی زهردار در می‌آورد که بر گردن صاحبش می‌پیچد و می‌گوید: منم مال تو که مرا از دادن در راه خدا منع کردی.»^۱ و در ادامه روایت آمده است که: پس او را با دندان‌هایش نیش می‌زند که در این هنگام صیحه و نعره می‌زند.

۵- اتحاد و عینیت جزا و عمل در قیامت

در قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزِي الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۲

هر کس کار نیکو (در مرحله اعتقاد و عمل) آورد، برای او (در دنیا و آخرت پاداشی) بهتر از آن هست و هر کس کار بد آورد، کسانی که کردارهای زشت انجام داده‌اند جز به همان مقدار و جز تجسم آن را کیفر داده نمی‌شوند.^۳ یعنی هر کس عمل نیک کند به فضل خدا پاداشی بهتر از آنچه کرده دریافت خواهد کرد؛ اما هر کس عمل زشتی کند جز با همان عملش جزا داده نمی‌شود، یعنی بر آنچه کرده‌اند چیزی اضافه نمی‌شود و این کمال عدل الهی است. هم‌چنانکه معامله خداوند با نیکوکاران از کمال فضل اوست.^۴

«...سَرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطْرِانٍ وَ تَغْشَىٰ وُجُوهُهُمُ النَّارُ* لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ؛ ... در آن

روز گناهکاران را همگی در غل و زنجیر می‌بینی، پیراهن‌هایشان از قیر است و آتش چهره‌هایشان را پوشانده تا خداوند هر نفسی را مطابق عملش سزا دهد، به‌درستی که خدا سریع الحساب است.»^۴

علامه‌ی طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه می‌فرماید:

«ظاهر این آیه دلالت می‌کند بر این که پاداش و کیفر هر نفسی همان کرده‌های نیک و بد خود اوست، چیزی که هست

صورتش فرق می‌کند؛ بنابراین، آیه مورد بحث جزو آیاتی است که اوضاع و احوال قیامت را نتیجه‌ی اعمال دنیا می‌داند.»^۶

۱. «يُصَوِّرُ اللَّهُ تَعَالَىٰ مَالَ أَحَدِكُمْ شُجَاعًا أَفْرَعًا فَيَطْوِقُهُ فِي حَلْقِهِ وَيَقُولُ أَنَا مَالِكُ الَّذِي مَنَعْتَنِي أَنْ تَتَّصِدَّقَ بِي، حسن ديلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، شریف رضی، چاپ اول، قم، ۱۴۱۲ ق، ص ۵۲.

۲. سوره قصص (۲۸)، آیه ۸۴.

۳. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، مترجم، سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۶، چ سوم، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۷، ص ۱۲۷.

۴. سوره ابراهیم (۱۴)، آیه ۵۰ و ۵۱.

۵. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، مترجم، سید محمد باقر موسوی همدانی، همان، ج ۱۲، ص ۱۳۰.

۶. اردشیر لردجانی، معاد و آثار اعتقاد به آن، چ اول، قم، انتشارات زائر، ۱۳۹۰، صص ۱۶۲ و ۱۶۳.

آنچه به هر نفسی جزا داده می‌شود به عینه همان عمل خوب یا بدی است که در دنیا انجام داده و کسب نموده است، پس عمل مجرم به عینه به او باز می‌گردد و این عذاب قیامت نتیجه اعمال دنیوی اوست، لذا انتقام خدا از قبیل عذاب دادن مجرم برای داغ دل ستاندن و رضایت خاطر نیست بلکه از باب به ثمر رساندن کشته اعمال است و از طرف دیگر خداوند سریع الحساب است، یعنی پاداش و جزای مذکور بلافاصله انجام می‌شود، جز اینکه ظرف ظهور و تحقق آن حساب در روز قیامت است، یا آنکه حکم جزا و نوشتن آن، همراه و قرین با خود عمل است، اما ظهور و تحقق آن جزا در قیامت هست، به هر حال خداوند در حسابرسی دقیق و سریع است. از این رو هیچ عملی در عالم از بین نمی‌رود و هیچ عملی عامل و انجام دهنده ی آن را رها نمی‌کند، لذا پروردگار عالم می‌فرماید:

«كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ * اَلَّا اَصْحَابُ الْاٰیْمِیْنَ؛ هر کس در گرو عقاید و صفات و اعمالی است که انجام داده و برای خود کسب کرده است؛ مگر اصحاب یمین و برکت.»^۱ در امور طبیعی برای نجات آدمی از برخی مشکلات، مال و وثیقه به رهن گذاشته می‌شود؛ اما در امور معنوی چیزی جز خود انسان، به گرو گذاشته نخواهد شد. هر انسانی اسیر و گروگان اعمال و اندوخته‌های خویش است؛ مگر انسان‌های آزاده که از اسارت هوس رهیده و به عقاید، اخلاق و اعمال نیک و مبارک مزین شدند و اهل یمین و برکت گشتند و این آزادی و آن اسارت معنوی- که بسیاری آن را آزادی می‌پندارند- در قیامت ظهور کامل می‌یابد و هر کس محصولات عمر خویش را دریافت کرده و سرسفره دسترنج خود می‌نشیند.^۲

تجسم اعمال در آینه ی روایات

مسأله تجسم اعمال نه تنها مورد تصدیق و تاکید قرآن است، بلکه در روایات نیز مورد توجه قرار گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

بر اساس آموزه‌های دینی، دنیا و آخرت با هم در ارتباطند؛ هر چه انسان در این دنیا انجام دهد از پیامدها و آثار مثبت و منفی آن در عالم آخرت نیز بهره‌مند می‌گردد.^۳

۱. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۲، همان، ص ۱۳۱.

۲. سوره مدثر (۷۴)، آیه ۳۸.

۳. محمد رضا کوهی، تجسم اعمال، همان، ص ۱۰۴.

۴. روایاتی مانند دنیا مزرعه الاخره، «الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ لَّا دَارٌ مَّقَرٌّ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۳): «فَأَصْلِحْ مَثْوَاكَ وَ لَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ.» (همان، نامه ۳۱).

در روایتی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به یکی از کسانی که تقاضای موعظه کرده بود، فرمود: ای قیس! ناگزیر، هم‌نشینی داری که پس از مرگ، همراه تو دفن می‌شود، درحالی که او زنده است و با او دفن می‌شوی درحالی که تو مرده‌ای، اگر او نیک و گرامی باشد، تو را گرامی می‌دارد و هرگاه او پست باشد تو را تسلیم حوادث می‌کند، سپس او با کسی جز تو محشور نمی‌شود و تو هم با کسی جز او به صحنه رستاخیز نمی‌آیی، از تو درباره غیر آن سؤال نمی‌شود، بنابراین، سعی کن آن را به صورت شایسته انجام دهی، زیرا اگر آن، شایسته باشد، با او انس می‌گیری و گر نه از هیچ کس جز او وحشت نداری و آن «عمل» تو است.

از امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده است که فرمودند:

«هر کس نمازهای واجبش را اول وقت به جا آورد و حدود آن را به پا دارد، فرشته‌ی اعمال آن نماز را در حالی که سفید و درخشان و پاکیزه است بالا برد. نماز خطاب به نمازگزار گوید: خداوند تو را حفظ کند، همان طور که مرا حفظ نمودی و مرا به فرشته‌ای کریم و بزرگوار به ودیعت سپردی و هر کس نمازهای واجب را، پس از گذشتن وقتش به جای آورد و حدود و جوانبش را رعایت نکند، فرشته آن نماز را در حالی که سیاه و تاریک است بالا برد و نماز با صدای بلند به نمازگزار گوید: مرا ضایع ساختی، خداوند تو را ضایع سازد آن چنان که مرا ضایع نمودی و خداوند تو را مراعات نکند آنچنان که مرا مراعات نکردی.»^۲

برای تلاوت قرآن کریم فضایل، آثار و فواید دنیایی و آخرتی فراوانی بیان شده است در حدیثی حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: «کسی که آیه‌ای از کتاب خداوند (قرآن) تلاوت کند (و بدان عمل کند)، در روز قیامت آن آیه به صورت نوری برایش خواهد بود.»^۳

بزرگان دین به خواندن صلوات بسیار توصیه می‌کردند و در روایات زیادی به مداومت خواندن صلوات اشاره شده است. از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که فرمود:

۱. «و انه لا بد لك يا قيس من قرين يدفن معك و هو حي و تدفن معه و انت ميت فان كان كريما اكرمك و ان كان لثيما اسلمك ثم لا يحشر الا معك و لا تحشر الا معه و لا تسئل الا عنه فلا تجعله الا صالحا فانه ان صلح انست به و ان فسد لا تستوحش الا منه و هو فعلك؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، جلد ۷، همان، صفحه ۲۲۸.

۲. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، همان، ص ۹۰. به نقل از ردشیر لردجانی، معاد و آثار اعتقاد به آن، ج اول، قم، انتشارات زائر، ۱۳۹۰، صص ۱۶۷ و ۱۶۸.

۳. «مَنْ تَلَا آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ كَانَتْ لَهُ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ!» محمد رضا کوهی، تجسم اعمال (در دنیا، قبر، قیامت)، ج اول، اصفهان، انتشارات بوستان فدک، ۱۳۸۶، صص ۱۱۲.

«هر کس بر من یک بار صلوات فرستد، خدای تبارک و تعالی در روز قیامت بر بالای سر و جانب راست و چپ و بر بالا و پایین و در همه اعضاء و جوارح او نور می‌دهد».^۱
و در جای دیگر فرمود:

«در بهشت، درختی است که آن را محبوبه گویند. میوه آن درخت از انار، کوچک‌تر و از سیب بزرگ‌تر؛ و سفیدتر از شیر و شیرین‌تر از عسل و نرم‌تر از مسکه و از آن میوه نمی‌خورد، مگر کسی که هر روز مداومت نماید به گفتن: اللهم صلی علی محمد و آل محمد و سلم».^۲

از آنجائی که جز برای صاحبان نفوس زکیه که دارای علو همت و فتوت و غیرت باشند رازدارای مشکل است برای آن آثار بزرگی است که کمتر عمل خیری ممکن است این آثار را داشته باشد و آن را در امان بودن از ترس بزرگ روز قیامت است که در آن روز امانت‌دار در ایمن‌ترین و شریف‌ترین جاها زیر سایه رحمت عرش خداست. حضرت موسی بن جعفر (علیه‌السلام) می‌فرماید: «سه طایفه‌اند که در زیر عرش خدا در روزی که پناه و سایه رحمتی جز رحمت حق نیست جای می‌گیرند: کسی که برادر مسلمان خود را تزویج کند یا خدمت گزاریش کند یا رازش را پوشیده دارد».^۳

روایات بسیاری در مذمت کسی که در روی زمین متکبر است و از روی کبر و غرور با دیگران رفتار می‌کند، وارد شده است. در حدیثی امام صادق (علیه‌السلام) فرموده است: «متکبران به صورت و شکل مورچه مبعوث و محشور می‌شوند و مردم تا هنگام فراغت از حساب آنان را لگد مال می‌کنند».^۴ همچنین در مورد آثار و پیامدهای اخروی غیبت روایات زیادی وارد شده است. پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) فرمود: «غیبت کردن زودتر دین شخص را از بین می‌برد تا بیماری خوره بدن آدمی را».^۵

۱. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۱، همان، ص ۶۴

۲. عباس عزیزی، آثار و برکات صلوات در دنیا، برزخ و قیامت، ناشر چاپی صلاه، ناشر دیجیتال قائمیه اصفهان، ص ۱۱۹ و ص ۱۰۹

۳. شیخ صدوق، خصال، ص ۱۴۱، حدیث ۱۶۲.

۴. «يَحْشُرُ الْمُتَكَبِّرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي خَلْقِ الدَّرِّ فِي صُورَةِ النَّاسِ يُوْطُّونَ حَتَّى يَفْرُغَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ حِسَابِ خَلْقِهِ»؛ محمد بن یعقوب بن اسحاق، کلینی، اصول الکافی، محقق: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق، چاپ چهارم، ج ۲، ص ۳۱۱.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۴، همان، ص ۵۹.

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده است که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «هر کس غیبت مسلمانی را بکند، [حقیقت] روزه و وضویش باطل شود و روز قیامت بدبوتر از مردار وارد محشر می شود و اهل محشر از بوی تعفن او اذیت می شوند.»^۱

برخی روایات نیز اشاره به عقوبت دردناک افراد سخن چین دارد. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده که فرمودند: «که در شب معراج زنی را دیدم که سرش چون سر خوک و بدنش مانند الاغ بود و عذاب انبوهی او را احاطه کرده بود! شخصی پرسید: به چه جرمی؟ پیامبر پاسخ داد به خاطر سخن چینی و دروغگویی اش.»^۲

از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که فرمود: «اما اینکه عقرب مسخ شد؛ چون او مردی سخن چین بوده و با سخن خود میان مردم سعایت می کرد و بین آنان عداوت و دشمنی می انداخت.»^۳

آنان که مدیر و رئیس و سرپرست عده‌ای در امور مختلف هستند، مسئولیت آن‌ها بسیار مهم است به همین دلیل خطای آن‌ها کیفرسخت دارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «کسی که بر ده نفر یا بیشتر ریاست و سرپرستی کند، در حالی که دست‌هایش به گردنش بسته شده، از قبر خارج شده و وارد صحرای محشر می شود، اگر آدم نیک بود دست‌هایش را باز کرده و آزاد کنند و اگر بد بود بر بندهای او بیفزایند.» نظیر این سخن باتعبیر دیگر نیز از آن حضرت نقل شده است.^۴

نتیجه گیری و جمع بندی

از مجموع این آیات به دست می آید که تجسم و ظهور اعمال در قرآن کریم، به صورت گوناگون مطرح شده است. اگر همه این بیان را در کنار هم قرار بدهیم و به هم ضمیمه کنیم، خواهیم گفت که همه آن‌ها در واقع به حقیقتی اشاره دارند و آن عبارت از این است که خود عمل انسان، اجر و نعمت یا زجر و عذاب است و واکاوی و تفسیر درست این آیات نشان می دهد تمام اعمال، عقاید، اوصاف و اخلاق انسان، به طور روشن و آشکار، در عالم آخرت بازتاب می یابد و ظهور می کند.

۱. «مَنْ اغْتَابَ امْرَأً مُسْلِمًا بَطَلَ صَوْمُهُ وَ نَقُضَ وَضُوؤُهُ وَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَفْوَحُ مِنْ فِيهِ رَائِحَةٌ أَتْنُ مِنْ الْجَحِيمَةِ يَتَأَذَى بِهَا أَهْلُ الْمَوْفِقِ!»؛ شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۵، ح ۴۹۶۸.

۲. محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ص ۲۶۴.

۳. «وَأَمَّا الْعَقْرَبُ فَمُسَخٌّ لِأَنَّهُ كَانَ رَجُلًا نَمَامًا يَسْعَى بَيْنَ النَّاسِ بِالنَّمِيمَةِ وَ يَغْرِى بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ!»؛ شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، قم، نشر اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق، ص ۶۱۶، ماده «نم»

۴. محمد مهدی، اشتهاردی، ده گردنه ی قیامت، چاپ دهم، قم، موعود اسلام، ۱۳۹۳، ص ۸۱.

از این رو هر کرداری که انسان انجام می‌دهد، چه خوب و چه بد، در عالم آخرت بر اساس آن اعمال ظهور و تجسم خواهد یافت. بدین معنا که اعمال نیک این جهان، در روزگار رستاخیز، تغییر شکل می‌دهد و به صورت نعمت‌های بهشتی در می‌آید چنان که اعمال بد و حرام، به صورت آتش و زنجیر و انواع عذاب نمودار می‌شوند. پس صورت حقیقی انسان به همان اعمال، نیات، خصلت‌ها و ملکات نفسانی او بستگی دارد. بر این اساس، انسان‌ها از نظر صورت ظاهری یکسان دارند، اما از نظر سیرت و صورت باطنی؛ یعنی خصلت‌ها و ملکات مختلفند که در دنیا و آخرت به آن شکل متشکلند و از آنجایی که دنیا دار افشای اسرار و بیان باطن نیست؛ برای همه کس، شکل حقیقی انسان قابل رؤیت نیست، اما در آخرت که *يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ* است، باطن و اسرار انسان‌ها برای همه قابل رؤیت خواهد بود و خواهند دید، سیرت باطن انسان‌ها در صورت و ظاهر آن‌ها، نمایان می‌شود و با شکل و صورت‌های گوناگون وارد محشر می‌شوند. این همان تجسم اعمال و ملکات است که در آیات قرآنی و روایات معصومان (علیهم‌السلام) به آن اشاره شده است.

در نتیجه تجسم اعمال به گونه‌ای که در روایات مطرح شده امری ممکن و قابل قبول است و با ظواهر قرآن تطابق دارد.

فهرست منابع:

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، پاداش نیکیها و کیفر گناهان، ترجمه ثواب الأعمال، چاپ اول، مترجم محمد علی مجاهدی، انتشارات سرور، قم، ۱۳۸۱.
۲. اسد علیزاده، اکبر، "بررسی تجسم وانعکاس اعمال از نگاه معارف عقلی"، فصلنامه علمی پژوهشی آیین حکمت، شماره مسلسل ۲۱، سال ششم، ۱۳۹۳.
۳. اشتهاوردی، محمد مهدی، ده گردنه ی قیامت، چاپ دهم، قم، موعود اسلام، ۱۳۹۳.
۴. تجری، محمد علی، "تجسم اعمال از منظر دین و فلسفه، فصلنامه پژوهشهای فلسفی-کلامی، بهار و تابستان ۸۱، شماره ۱۱ و ۱۲.
۵. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن (معاد در قرآن)، ج ۵، قم: مرکز نشر اسراء، چ چهارم، ۱۳۸۵.
۶. حویزی، عبد علی بن جمعه العروسی، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.
۷. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، دانشگاه تهران، ج ۴، بی تا.
۸. دیلمی، حسن، إرشاد القلوب إلی الصواب، ج ۱، شریف رضی، چاپ اول، قم، ۱۴۱۲ ق.
۹. _____، إرشاد القلوب، ترجمه رضایی، ج ۱، بی جا، بی تا.
۱۰. رضوی، محمد امین، تجسم عمل یا تبدیل ماده به نیرو، بی جا، ۱۳۷۸.
۱۱. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، جج ۵، ۹، قم، موسسه سید الشهداء (علیه السلام)، ۱۳۶۹.
۱۲. _____، فرهنگ و معارف اسلامی، ج ۱، بی جا، بی تا.
۱۳. شجاعی، محمد، تجسم عمل و شفاعت، چ چهارم، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۸.

۱۴. _____، معاد یا بازگشت به سوی خدا، ج ۲، چ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴.
۱۵. صالحی مازندرانی، محمد علی، معاد، پایگاه اطلاع رسانی غدیر.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین، انسان از آغاز تا انجام، ترجمه و تعلیقات: صادق لاریجانی، چ دوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱، ۲۰، مترجم، سید محمد باقر موسوی همدانی، مرکز نشر فرهنگی رجاء با همکاری موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۱۸. طبرسی، ابی علی الفضل الحسن، مجمع البیان، ج ۱۰، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۵.
۱۹. طبری، ابی جعفر محمد بن جریر، جامع البیان، چاپ دوم، طبع مصر، ۱۳۷۳.
۲۰. طوسی، خواجه نصیر الدین، آغاز و انجام، چاپ چهارم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۱. طریحی، فخر الدین، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، چ سوم، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۴۱۶ ق.
۲۲. عزیزی، عباس، آثار و برکات صلوات در دنیا، برزخ و قیامت، ناشر چاپی صلاه، ناشر دیجیتال قائمیه اصفهان.
۲۳. عمید، حسن، فرهنگ عمید، چ ششم، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۱.
۲۴. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۲، قم، نشر اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق، ماده «نم»
۲۵. کاشفی، محمد رضا، مرگ تا قیامت (پرسش و پاسخ)، قم، نشر معارف، ۱۳۸۳.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول الکافی، محقق: غفاری علی اکبر و آخوندی، ج ۲، چاپ چهارم، محمد، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۷. _____، فروع کافی، ج ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰.
۲۸. کوهی، محمد رضا، تجسم اعمال (در دنیا، قبر، قیامت)، چ اول، اصفهان، انتشارات بوستان فدک، ۱۳۸۶.
۲۹. لردجانی، اردشیر، معاد و آثار اعتقاد به آن، چ اول، قم، انتشارات زائر، ۱۳۹۰.
۳۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

۳۱. مصطفوی، حسن، التحقیق، ج ۸، بی جا، بی تا.

۳۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۴، انتشارات صدرا، بی تا.

۳۳. ناصر، مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۶، چ ۱۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸.